

Predicting Emotional Divorce based on Early Maladaptive Schemas in Couples with Marital Problems

Article Info

Authors:

Foujan Biyazari Kari¹
Shaban Heidary^{2*}
Askar Asghari Ganji³

Keywords:

Emotional Divorce, Early Maladaptive Schemas, Couples, Marital Problems

Article History:

Received: 2022-04-19
Accepted: 2022-06-07
Published: 2022-12-01

Correspondence:

Email: shabanheidari1@gmail.com

Abstract

Purpose: One of the consequences of marital problems is emotional divorce, and based on the purpose of this research was predicting emotional divorce based on early maladaptive schemas in couples with marital problems.

Methodology: This was study was descriptive from type of correlational which its statistical population was couples with marital problems referred to counseling centers of Babol township with number of 436 people (218 couples). The research sample based on Krejcie and Morgan table was estimated 204 people (102 couples) who were selected after reviewing the inclusion criteria by purposive non-random sampling method. The research instruments were included the emotional divorce scale (Gottman, 1994) and early maladaptive schemas scale (Young, 1994). Data were analyzed by Pearson correlation coefficient and multiple regression in SPSS software.

Findings: Findings showed that the whole of early maladaptive schema and three schemas including disconnection and rejection, other directedness and over vigilance had a positive and significant relationship with emotional divorce in couples with marital problems ($P < 0.05$), but two schemas including impaired autonomy and impaired limitations had not significantly relationship with emotional divorce in them ($P > 0.05$). Other findings showed that early maladaptive schemas significantly could predict 36.8% of the changes of emotional divorce in couples with marital problems and three schemas of disconnection and rejection, other directedness and over vigilance significantly could predict 88.5% of the changes of emotional divorce in them ($P < 0.001$).

Conclusion: According to the findings of the present study, the planning by health professionals and therapists to reduce emotional divorce in couples with marital problems is necessary by reducing the early maladaptive schemas, especially the three schemes of disconnection and rejection, other directedness and over vigilance.

-
1. M.A, Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
 2. Assistant Professor, Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).
 3. Assistant Professor, Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
-

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی

فوژان بی‌آزاری کاری^۱، شعبان حیدری^{۲*}، عسکر اصغری گنجی^۳

چکیده

هدف: یکی از پیامدهای مشکلات زناشویی، طلاق عاطفی است و بر اساس آن هدف این پژوهش پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی بود.

روش: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود که جامعه آماری آن زوجین دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل به تعداد ۴۳۶ نفر (۲۱۸ زوج) بودند. نمونه پژوهش بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۰۴ نفر (۱۰۲ زوج) برآورد که پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس طلاق عاطفی (گاتمن، ۱۹۹۴) و مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۴) بودند. داده‌ها با روش‌های ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که کل طرحواره ناسازگار اولیه و سه طرحواره شامل بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشتند ($P < 0/05$)، اما دو طرحواره شامل خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در آنان رابطه معناداری نداشتند ($P > 0/05$). یافته‌های دیگر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌طورمعناداری توانستند ۳۶/۸ درصد از تغییرات طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی و سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی به‌طورمعناداری توانستند ۸۸/۵ درصد از تغییرات طلاق عاطفی در آنان را پیش‌بینی کنند ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، برنامه‌ریزی توسط درمانگران و متخصصان سلامت برای کاهش طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی از طریق کاهش طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌ویژه سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی ضروری است.

کلید واژه‌ها: طلاق عاطفی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، زوجین، مشکلات زناشویی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

^۲ استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسول) shabanheidari1@gmail.com

^۳ استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

رابطه زناشویی سنگ بنای ارتباط‌های خانوادگی است؛ به طوری که در این رابطه همراه با احترام و همکاری متقابل نیازهای همسران ارضاء می‌شود و افرادی که در خانواده‌های دارای اتحاد زناشویی منسجم زندگی می‌کنند به لحاظ سلامت و بهزیستی در وضعیت متعادلی قرار دارند، در مقابل نداشتن اتحاد زناشویی می‌تواند سبب ایجاد مشکلات، تعارضات و اختلافات زناشویی شود (شیرمحمدی، الهی و ابراهیمی، ۱۴۰۰). ارزیابی کلی منفی فرد از رابطه زناشویی و برآورده‌نشدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای زوجین در رابطه زناشویی از طریق ایجاد نارضایتی زناشویی سبب افزایش مشکلات زناشویی می‌شود (دونگ، دونگ و چن^۱، ۲۰۲۲). آمارهای فعلی نشان می‌دهند که حدود ۵۰ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شوند و آمار بالای طلاق در ایران و جهان نشانه بارز مشکلات زناشویی است و عوامل مانند پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی، درگیری‌های کاری و غیره می‌توانند باعث ایجاد مشکلات زناشویی شوند (فروزانفر و صیادی، ۱۳۹۸). نارضایتی زناشویی زوجین از یکدیگر و از زندگی مشترک از طریق افزایش نابسامانی و پریشانی خانوادگی بر سلامت اعضای خانواده تاثیر می‌گذارد و سبب کاهش رضایت از زندگی و ایجاد مشکلات زناشویی می‌گردد (ویلسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). مشکلات زناشویی وضعیتی است که در آن زوجین احساس کلی نارضایتی و نبود احساس خوشبختی نسبت به یکدیگر و ازدواج دارند و با مفاهیم مانند تعارض‌های زناشویی، نارضایتی زناشویی، ناسازگاری زناشویی و غیره مشخص می‌شود (استیونسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). این سازه نوعی فقدان توافق مداوم و موثر در زندگی زناشویی است که معمولاً یکی از زوجین آن را بیان می‌کنند؛ به طوری که این مشکلات به مرور زمان از بین نمی‌روند و باعث کاهش و افت عملکرد زوجین در زندگی زناشویی می‌شوند و پیامدهای روانشناختی منفی بر جای می‌گذارند (ژانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). زوج‌های دارای مشکلات زناشویی به احتمال بیشتری در زندگی زناشویی خود بیشتر نشانه‌های اضطراب، استرس، افسردگی، مشکلات خواب، عادت‌های غذایی نامناسب و مصرف دخانیات را تجربه می‌کنند و به احتمال کمتری از خودکارآمدی و عزت نفس بالا و از سلامت و کیفیت زندگی مطلوب برخوردارند (گائو^۵ و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از پیامدهای مشکلات زناشویی، طلاق عاطفی^۶ است (رشید، امر و فهد^۷، ۲۰۲۱). معمولاً روابط عاطفی در زندگی زناشویی با هیجان و شور و شغف بالا شروع، اما پس از مدتی به علت غفلت و ناآگاهی یک از زوجین یا هر دو این هیجان‌ها کاهش می‌یابد و کم‌کم به سردی گرایش پیدا می‌کند که به این وضعیت طلاق عاطفی می‌گویند (چیو^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن روابط زوجین دچار اختلال شده و سرمایه عاطفی بین زوجین به صورت انفعالی می‌باشد و زوجین علیرغم فقدان عشق، علاقه و صمیمیتی نسبت به یکدیگر یا اندک بودن آنها از یکدیگر جدا نمی‌شوند (ال عبیدی^۹، ۲۰۱۷). برخلاف طلاق رسمی که زن و شوهر از یکدیگر جدا می‌شوند و هیچ تعهدی به یکدیگر ندارند در طلاق عاطفی زن و شوهر با یکدیگر زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما بین آنها روابط عاطفی وجود ندارد یا اینکه روابط عاطفی آنها بسیار کم است (جاروان و ال-فرهات^{۱۰}، ۲۰۲۰). یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۸ از ۱۲/۵۰ درصد به ۷۷/۳۱ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است که این یافته‌ها حاکی از افزایش شدید طلاق رسمی در کشور می‌باشد، اما همیشه مشکلات زناشویی سبب طلاق رسمی نمی‌شود و بر این اساس افزایش طلاق عاطفی، نداشتن روابط عاطفی و سردی عاطفی در روابط زوجین یکی از چالش‌های بزرگ زندگی در عصر حاضر می‌باشد (رمضانی‌فر، کلدی و قدیمی، ۱۴۰۰). زوجین در طلاق عاطفی بدون اینکه از یکدیگر جدا شوند با هم به زندگی ادامه می‌دهند، اما ارتباط صمیمی چندانی با هم ندارند و

1. Dong, Dong & Chen

2. Wilson

3. Stevenson

4. Zhang

5. Gao

6. Emotional Divorce

7. Rasheed, Amr & Fahad

8. Chau

9. Al Ubaidi

10. Jarwan & Al-Frehat

درباره احساسات و عواطف خود با یکدیگر خیلی کم صحبت می‌کنند یا اصلاً صحبت نمی‌کنند (اسر و عبد-المکسود^۱، ۲۰۲۱). طلاق عاطفی آغازی برای طلاق رسمی است که زندگی زناشویی زوجین دچار طلاق عاطفی فاقد اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر می‌باشد و زوجین به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار، ناکامی و تنزل عزت‌نفس یکدیگر عمل می‌کنند و همواره برای طرد یکدیگر به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب، کوتاهی و نقص وی هستند (دامو و سنسی^۲، ۲۰۲۱).

یکی از عوامل مرتبط با طلاق عاطفی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۳ است که سبب ایجاد و تداوم مشکلات روانشناختی در فرد می‌شوند (موسوی خرمی، دوکانه‌ای فرد و خاکپور، ۱۳۹۹). این طرحواره‌ها از طریق تحریف‌های شناختی و روش‌های مقابله ناسازگار تداوم می‌یابند و تشدید می‌شوند و به شکل مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش پریشانی روانشناختی و اختلال‌های شخصیت می‌شوند (میونوئرا^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). طرحواره‌ها به بررسی این نکته می‌پردازند که افراد چگونه می‌اندیشند، چگونه مسائل را درک و پردازش می‌کنند و چگونه مسائل را به یاد می‌آورند (گونگ و چان^۵، ۲۰۱۸). طرحواره‌های ناسازگار اولیه در واقع الگوها و درون‌مایه‌های عمیق و فراگیر هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان هستند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و در بزرگسالی تداوم می‌یابند؛ به طوری که به‌شدت ناکارآمد هستند و بر ادراک و ارزیابی فرد تاثیر منفی می‌گذارند (تریگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). طرحواره‌های ناسازگار اولیه با توجه به پنج نیاز هیجانی ارضاء نشده در پنج حیطه بریدگی و طرد^۷، خودگردانی مختل^۸، دیگر جهت‌مندی^۹، گوش‌به‌زنگی افراطی^{۱۰} و محدودیت‌های مختل^{۱۱} قرار می‌گیرند. افرادی که طرحواره آنها در حیطه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی‌توانند دل‌بستگی ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار سازند، خانواده‌های سرد و بی‌عاطفه دارند و باور دارند که نیاز آنها به ثبات، محبت، عشق و تعلق خاطر هیچ‌گاه برآورده نخواهد شد. افرادی که طرحواره آنان در حیطه خودگردانی مختل قرار دارد، از خود و محیط انتظارهایی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از والدین و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می‌کند. چون خانواده‌های این افراد از آنها گاهی به‌شدت حمایت و گاهی به‌ندرت مراقبت می‌کردند. افرادی که طرحواره آنان در حیطه دیگر جهت‌مندی قرار دارد، به جای رسیدگی به نیازهای خود به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. چون آنان در کودکی آزاد نبودند تا از تمایل‌ها و خواسته‌های طبیعی خود پیروی کنند و در بزرگسالی به جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند از بیرون (توسط دیگران) هدایت می‌شوند. افرادی که طرحواره آنها در حیطه گوش‌به‌زنگی افراطی قرار دارد، احساس‌ها و تکانه‌های خودانگیخته را واپس‌رانی می‌کنند و آنها اغلب تلاش می‌نمایند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی‌شده خود عمل کنند. چون این افراد در کودکی به تفریح تشویق نشدند و به جای آن یاد گرفتند که گوش‌به‌زنگ حوادث منفی باشند. افرادی که طرحواره آنها در حیطه محدودیت‌های مختل قرار دارد، محدودیت‌های آنها درباره احترام متقابل و خویشتن‌داری به اندازه کافی رشد نکرده و دارای مشکلات فراوانی در زمینه احترام به حقوق دیگران، همکاری، متعهدبودن و دستیابی به اهداف بلندمدت هستند. چون خانواده‌های این افراد بیش از حد مهربان یا سهل‌انگار بودند (فلینک^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در اثر ناکامی‌های دردناک نیازهای هیجانی بنیادین به‌ویژه نیاز به دل‌بستگی ایمن در طول زندگی شکل گرفتند، لذا در برآوردن صحیح نیازهای هیجانی بنیادین تداخل ایجاد می‌کنند و بر ادراک واقعیت، پردازش و تفسیر اطلاعات و نحوه پاسخدهی به موقعیت‌ها و چالش‌های زندگی تاثیر منفی می‌گذارند و افراد را از لحاظ روانشناختی آسیب‌پذیر می‌کند (یالسن^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Assr & Abd-Elmaksoud

2. Damo & Cenci

3. Early Maladaptive Schemas

4. Munuera

5. Gong & Chan

6. Tariq

7. Disconnection and Rejection

8. Impaired Autonomy

9. Other Directedness

10. Over Vigilance

11. Impaired Limitations

12. Flink

13. Yalcin

درباره روابط طحوره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی پژوهش‌های اندکی انجام شده و در ادامه نتایج پژوهش‌های مرتبط گزارش می‌شوند. نتایج پژوهش موسوی خرمی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که هر پنج حیطه طحوره‌های ناسازگار اولیه شامل بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی افراطی و محدودیت‌های مختل بر طلاق عاطفی اثر مستقیم و معنادار داشتند. بازدار و موسوی (۱۳۹۷) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که طحوره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی منفی ضمن رابطه معنادار با طلاق عاطفی در زوجین، توانستند به‌طور معناداری طلاق عاطفی در آنان را پیش‌بینی نمایند. همچنین، نتایج پژوهش علوی لواسانی و احمدی طهور سلطانی (۱۳۹۶) حاکی از رابطه مثبت و معنادار طحوره‌های ناسازگار اولیه، دشوار در تنظیم هیجان، سبک دلبستگی نایمن و بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی در زنان و مردان متأهل بود. اکبری و همکاران (۱۳۹۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که طحوره‌های محرومیت هیجانی، نقص/ شرم، شکست، خود تحول‌یافته/ گرفتاری، اطاعت‌پذیری، ایثار و بازداری هیجانی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار داشتند، اما طحوره‌های ره‌اشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، بیگانگی/ انزوای اجتماعی، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی، استحقاق/ بزرگ‌منشی و خودکنترلی و خودانضباطی ناکافی با طلاق عاطفی رابطه معناداری نداشتند و طحوره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان به‌طور معناداری توانستند طلاق عاطفی زوجین را پیش‌بینی کنند. در پژوهشی دیگر لعل‌زاده، اصغری ابراهیم‌آباد و حصارسرخ (۱۳۹۴) گزارش کردند که همه طحوره‌های ناسازگار اولیه به غیر از دو طحوره از خودگذشتگی و عیب‌جویی افراطی با طلاق عاطفی زوجین رابطه مثبت و معنادار داشتند و طحوره‌ها به‌طور معناداری توانستند طلاق عاطفی زنان و مردان را پیش‌بینی نمایند. علاوه بر آن، نتایج پژوهش کالویتی^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که طحوره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان با سوءاستفاده هیجانی در آنها رابطه مثبت و معنادار داشت. تیم^۲ (۲۰۱۳) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که طحوره‌های ناسازگار اولیه و حیطه‌های آن شامل بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی افراطی و محدودیت‌های مختل با مشکلات بین‌فردی رابطه مثبت و معنادار داشتند.

با اینکه پژوهش‌هایی درباره پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طحوره‌های ناسازگار اولیه انجام شده، اما از یک سو جامعه اکثر پژوهش‌ها زوجین عادی بوده و پژوهشی بر روی زوجین دارای مشکلات زناشویی یافت نشد و از سوی دیگر نتایج پژوهش‌های قبلی همان‌طور که در بالا مشخص است، متفاوت می‌باشد و با اینکه برخی پژوهش‌ها حاکی از رابطه معنادار برخی طحوره‌ها با طلاق عاطفی بودند، برخی پژوهش‌های دیگر حاکی از عدم رابطه معنادار آنها بودند. نکته حائز اهمیت دیگر درباره اهمیت و ضرورت این پژوهش با توجه به تفاوت نتایج پژوهش‌های قبلی و عدم یافتن پژوهشی بر روی زوجین دارای مشکلات زناشویی اینکه نتایج این پژوهش می‌تواند به درمانگران و متخصصان سلامت در کاهش طلاق عاطفی از طریق طحوره‌های ناسازگار اولیه مرتبط با آن کمک نماید و آنان برای کاهش طلاق عاطفی ابتدا زمینه را برای کاهش طحوره‌ای که بیشترین رابطه را با طلاق عاطفی دارد، بهره ببرند. در نتیجه، هدف این پژوهش پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طحوره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی بود.

روش

این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود که جامعه آماری آن زوجین دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل به تعداد ۴۳۶ نفر (۲۱۸ زوج) بودند. نمونه پژوهش بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۰۴ نفر (۱۰۲ زوج) برآورد که پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری پژوهشگران، زوجین را از لحاظ شرایط ورود به مطالعه بررسی و در صورت داشتن شرایط به‌عنوان نمونه انتخاب کرد. شرایط یا ملاک‌های ورود به مطالعه برای زوجین یا هر یک از زنان و مردان متأهل شامل داشتن مشکلات زناشویی، سواد خواندن و نوشتن، تمایل جهت شرکت در پژوهش، عدم سابقه طلاق و عدم اعتیاد یا مصرف داروهای روان‌پزشکی مانند

۱. Calvete

۲. Thimm

ضداضطراب یا ضدافسردگی و شرایط یا ملاک‌های خروج از مطالعه شامل انصراف از تکمیل کردن ابزارهای پژوهش توسط یک یا هر دو زوجین و عدم پاسخگویی به بیشتر از پنج درصد گویه‌های ابزارهای پژوهش بودند.

برای انجام این پژوهش ابتدا هماهنگی لازم با مسئولان مراکز مشاوره شهرستان بابل به عمل آمد و از منشی‌های آنها خواسته شد تا زوجین دارای مشکلات زناشویی را به پژوهشگر معرفی نمایند. پژوهشگر زوجین را از نظر شرایط ورود به مطالعه بررسی و در صورت داشتن شرایط موردنظر آنها را به‌عنوان انتخاب کرد. برای نمونه‌ها اهمیت و ضرورت پژوهش و درباره رعایت نکات اخلاقی به آنها اطمینان خاطر داده شد و از آنان خواسته شد تا با نهایت دقت به ابزارهای پژوهش و همه گویه‌های آن پاسخ دهند و هیچ گویه‌ای را بدون پاسخ نگذارند. در ادامه ابزارهایی که توسط زوجین دارای مشکلات زناشویی تکمیل شد، معرفی می‌شوند.

الف) مقیاس طلاق عاطفی^۱: مقیاس مذکور توسط گاتمن^۲ (۱۹۹۴) با ۲۴ گویه طراحی شد. گویه‌ها به‌صورت بله (نمره یک) و خیر (نمره صفر) نمره‌گذاری و نمره ابزار با مجموع نمره گویه‌ها محاسبه می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات بین صفر الی ۲۴ با نقطه برش نمره ۸ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده طلاق عاطفی بیشتر می‌باشد. بنابراین، افرادی که نمره ۸ یا بالاتر کسب کنند دچار طلاق عاطفی هستند. گاتمن (۱۹۹۴) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و نتایج حاکی از وجود چهار عامل جدایی و فاصله، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری بود و پایایی کل آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش کرد. در ایران، موسوی و رضازاده (۱۳۹۳) ضمن بررسی و تایید روایی محتوایی مقیاس طلاق عاطفی با نظر متخصصان، روایی ابزار را با روش تحلیل عاملی تاییدی بررسی و نتایج حاکی از آن بود که بار عاملی همه گویه‌ها در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشت و پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، روایی محتوایی مقیاس طلاق عاطفی با نظر اساتید مطلوب برآورد و مقدار پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

ب) مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۳: مقیاس مذکور توسط یانگ^۴ (۱۹۹۴) با ۷۵ گویه در پنج حیطه شامل بریدگی و طرد (گویه‌های ۱ الی ۲۵)، خودگردانی مختل (گویه‌های ۲۶ الی ۴۵)، دیگر جهت‌مندی (گویه‌های ۴۶ الی ۵۵)، گوش‌به‌زنگی افراطی (گویه‌های ۵۶ الی ۶۵) و محدودیت‌های مختل (گویه‌های ۶۶ الی ۷۵) طراحی شد. گویه‌ها به‌صورت طیف شش درجه‌ای لیکرت از کاملاً نادرست (نمره یک) الی کاملاً درست (نمره شش) نمره‌گذاری و نمره ابزار با مجموع نمره گویه‌ها و نمره هر حیطه با مجموع نمره گویه‌های آن حیطه محاسبه می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات کل ابزار بین ۷۵ الی ۴۵۰، حیطه بریدگی و طرد ۲۵ الی ۱۵۰، حیطه خودگردانی مختل ۲۰ الی ۱۲۰، حیطه‌های دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی افراطی و محدودیت‌های مختل ۱۰ الی ۶۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده داشتن طرحواره‌های ناسازگار بیشتر می‌باشد. یانگ (۱۹۹۴) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و نتایج حاکی از وجود پنج عامل بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی افراطی و محدودیت‌های مختل بود و پایایی کل و حیطه‌ها را در دامنه ۰/۸۳ الی ۰/۹۶ گزارش کرد. در ایران، جلالی و سروقد (۱۳۹۱) ضمن بررسی و تایید روایی محتوایی مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نظر متخصصان، پایایی ابزار کل و پنج حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی افراطی و محدودیت‌های مختل را با روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۷۶، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، روایی محتوایی مقیاس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نظر اساتید مطلوب برآورد و مقدار پایایی کل و ابعاد مذکور آن با روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۸۲، ۰/۸۱ و ۰/۸۵ بدست آمد.

داده‌ها پس از گردآوری با مقیاس‌های طلاق عاطفی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با روش‌های ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

۱. Emotional Divorce Questionnaire

۲. Gottman

۳. Early Maladaptive Schemas Questionnaire

۴. Young

یافته‌ها

در این پژوهش تحلیل‌ها برای ۱۰۲ زوج انجام شد؛ به طوری که میانگین نمره متغیرها برای هر زن و شوهر به عنوان نمره آن متغیر برای زوجین لحاظ شد. در جدول ۱ نتایج میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی ارائه شد.

جدول ۱. نتایج میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
بریدگی و طرد	۷۲/۲۵۶	۷/۱۴۱	۰/۴۸۷	۰/۸۳۶
خودگردانی مختل	۶۹/۴۲۲	۶/۷۳۹	-۰/۲۳۴	۰/۵۶۱
دیگر جهت‌مندی	۳۲/۱۰۸	۴/۱۵۸	۰/۳۲۰	۰/۷۴۴
گوش‌به‌زنگی افراطی	۲۸/۹۵۴	۳/۹۶۰	-۰/۱۴۱	۰/۲۶۸
محدودیت‌های مختل	۳۴/۷۸۱	۴/۲۸۳	۰/۲۴۶	۰/۶۵۵
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۲۳۷/۳۰۰	۱۶/۵۸۴	-۰/۰۵۹	۰/۲۳۷
طلاق عاطفی	۳/۰۶۵	۰/۴۲۹	۰/۴۲۲	۰/۸۶۱

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، فرض نرمال بودن طرحواره‌های ناسازگار اولیه (و پنج حیطه آن) و طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی به دلیل قرار داشتن مقدار کجی و کشیدگی آنها در دامنه +۱ الی -۱ رد نشد. همچنین، مقدار عامل تورم واریانس برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بر اساس پنج حیطه آن به دلیل کوچک‌تر از ۱۰ بودن و مقدار دوربین-واتسون ی پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بر اساس پنج حیطه آن به دلیل قراردادن در دامنه ۱/۵ الی ۲/۵ به ترتیب حاکی از رد شدن فرض‌های هم‌خطی چندگانه و همبستگی باقی‌مانده‌ها بودند. بنابراین، استفاده از رگرسیون جهت تحلیل‌ها مجاز بود. در جدول ۲ نتایج همبستگی پیرسون طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی ارائه شد.

جدول ۲. نتایج همبستگی پیرسون طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی

متغیر پیش‌بین	مقدار همبستگی	مقدار معناداری
بریدگی و طرد	۰/۴۴۸	۰/۰۰۱
خودگردانی مختل	۰/۱۰۵	۰/۲۴۹
دیگر جهت‌مندی	۰/۷۳۶	۰/۰۰۱
گوش‌به‌زنگی افراطی	۰/۸۸۵	۰/۰۰۱
محدودیت‌های مختل	۰/۰۲۶	۰/۷۷۴
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۰/۶۰۷	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ قابل مشاهده است، کل طرحواره ناسازگار اولیه و سه طرحواره شامل بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشتند ($P < 0/05$)، اما دو طرحواره شامل خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در آنان رابطه معناداری نداشتند ($P > 0/05$). در جدول ۳ نتایج رگرسیون چندگانه پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی ارائه شد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون چندگانه پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی

متغیر	R	R ²	مقدار F	df1	df2	مقدار معناداری
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۰/۶۰۷	۰/۳۶۸	۱۵/۳۸۱	۱	۱۰۰	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌طور معناداری توانستند ۳۶/۸ درصد از تغییرات طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی را پیش‌بینی کنند ($P < ۰/۰۰۱$). از آنجایی که دو حیطه خودگردانی مختلف و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه معناداری نداشتند به همین خاطر وارد معادله رگرسیون نشدند. بنابراین، در جدول ۴ نتایج رگرسیون چندگانه پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی در زوجین دارای مشکلات زناشویی ارائه شد.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندگانه پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی در زوجین دارای مشکلات زناشویی

متغیر	R	R ²	مقدار F	df1	df2	مقدار معناداری
بریدگی و طرد			۱۵/۳۸۱			
دیگر جهت‌مندی	۰/۹۴۱	۰/۸۸۵	۷۷/۲۵۹	۱	۹۸	۰/۰۰۱
گوش‌به‌زنگی افراطی						

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی به‌طور معناداری توانستند ۸۸/۵ درصد از تغییرات طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی را پیش‌بینی کنند ($P < ۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری

با توجه به آمار بالای طلاق رسمی و از آنجایی که طلاق عاطفی مقدمه‌ای برای طلاق رسمی محسوب می‌شود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند آن را در زوجین پیش‌بینی نمایند. در نتیجه، هدف این پژوهش پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی بود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که کل طرحواره ناسازگار اولیه و سه طرحواره شامل بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشتند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های پژوهش‌های موسوی خرمی و همکاران (۱۳۹۹)، بازدار و موسوی (۱۳۹۷)، علوی لواسانی و احمدی ظهور سلطانی (۱۳۹۶)، اکبری و همکاران (۱۳۹۵)، لعل‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، کالویتی (۲۰۱۴) و تیم (۲۰۱۳) بودند. در تفسیر و تشریح این یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که بیشتر مشکلات روانشناختی از جمله طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی از شیوه تصور افراد درباره خود و دیگران نشأت می‌گیرد که به این شیوه تصور طرحواره می‌گویند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه ریشه در تجربه‌های ناگوار دوران کودکی دارند و طرحواره‌هایی که سریع‌تر شکل بگیرند معمولاً قوی‌تر هستند. طرحواره‌ها به دلیل ارضاء نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی بوجود می‌آیند و به‌عنوان فیلتر تأیید و اثبات تجربه‌های کودکی عمل می‌کنند و بر همین اساس طرحواره‌های منفی در افرادی که تجربه‌های کودکی مشکل‌آفرین دارند سریع‌تر شکل می‌گیرد و این طرحواره‌ها معمولاً دوام بیشتری دارند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه افراد دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی طرحواره شکست و عدم موفقیت دارند و این امر سبب می‌شود که چنین افرادی هیچ‌گاه تلاش پایدار، مداوم و مناسبی برای پیشرفت و موفقیت انجام ندهند و علاوه بر آن در زندگی دچار احساس پوچی، سردرگمی و بی‌هدفی کنند که این عوامل سبب می‌شوند که زوجین دارای طرحواره‌های مذکور برای حل و کاهش چالش‌ها و مشکلات زندگی زناشویی از خود تلاش و پشتکار مناسبی نشان ندهند و با افزایش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی میزان طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی افزایش یابد.

دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که دو طرحواره شامل خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه معناداری نداشتند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های پژوهش‌های اکبری و همکاران (۱۳۹۵) و لعل‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) و ناهمسو با یافته‌های پژوهش‌های موسوی خرمی و همکاران (۱۳۹۹)، بازدار و موسوی (۱۳۹۷)، علوی لوسانی و احمدی طهور سلطانی (۱۳۹۶)، کالوییتی (۲۰۱۴) و تیم (۲۰۱۳) بودند. در تفسیر و تشریح عدم همسویی می‌توان به تفاوت در جامعه این پژوهش با سایر پژوهش‌ها اشاره کرد. پژوهش حاضر بر روی زوجین دارای مشکلات زناشویی انجام و میانگین نمره زن و شوهر در هر متغیر به‌عنوان نمره آن متغیر لحاظ شد، اما پژوهش‌های قبلی بر روی زوجین فاقد مشکل خاص انجام و نمره هر زن و مرد به‌صورت جدا محاسبه و تحلیل شد و احتمالاً همین تفاوت‌ها سبب تفاوت در یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های گذشته شده باشد. همچنین در تفسیر و تشریح عدم رابطه معنادار بین خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی می‌توان استنباط کرد که در طرحواره خودگردانی مختل افراد انتظاراتی از خود و محیط دارند که در توانایی آنها برای تفکیک بین خود و والدین و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می‌شود و در طرحواره محدودیت‌های مختلف افراد دارای مشکلات فراوانی در زمینه احترام به حقوق دیگران، همکاری، متعهدبودن و دستیابی به اهداف بلندمدت هستند. زوجین دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره معمولاً خود را از نظر طرحواره‌های مذکور (خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل) نسبتاً مطلوب ادراک و ارزیابی (کسب نمره پایین در آنها) و طرف مقابل (همسر خود) را نیازمند راهنمایی ادراک و ارزیابی بیشتر (کسب نمره بالا در آنها) می‌کنند که این امر سبب می‌شود هنگامی که میانگین نمره زن و شوهر به‌عنوان ملاک میزان داشتن طرحواره‌ها لحاظ شود، زوجین دارای میانگین نسبتاً پایینی در آنها باشند و همین امر سبب می‌شود که بین طرحواره‌های خودگردانی مختل و محدودیت‌های مختل با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه معناداری وجود نداشته باشد.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی به‌طورمعناداری توانستند طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های پژوهش‌های بازدار و موسوی (۱۳۹۷)، اکبری و همکاران (۱۳۹۵) و لعل‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) بودند. در تفسیر و تشریح این یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نتیجه تجربه‌های موفق و روابط هنجار دوره کودکی شکل می‌گیرند و تداوم می‌یابند و بر ویژگی‌های روانشناختی افراد در بزرگسالی تاثیر می‌گذارند. علاوه بر آن، طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بسیاری از شاخص‌های روانشناختی منفی مثل استرس، اضطراب، افسردگی و عزت‌نفس پایین رابطه مثبت و با بسیاری از شاخص‌های روانشناختی مثبت مثل شادکامی، امیدواری، خوش‌بینی و تاب‌آوری رابطه منفی دارند. از آنجایی که طلاق عاطفی یک شاخص منفی روانشناختی است، لذا می‌توان انتظار داشت که سایر شاخص‌های روانشناختی منفی با آن همبستگی مثبت و شاخص‌های روانشناختی مثبت با آن همبستگی منفی داشته باشند. در نتیجه، منطقی است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و به‌ویژه سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی در زوجین دارای مشکلات زناشویی توانایی پیش‌بینی طلاق عاطفی را داشته باشند.

مهم‌ترین نقطه قوت این پژوهش اینکه در آن به بررسی زوجین پرداخته شد و برخلاف پژوهش‌های قبلی که نتایج روابط میان متغیرها را در مردان و زنان به‌صورت کلی بررسی کردند، در پژوهش حاضر نمره متغیرهای هر زوج از طریق میانگین نمره هر زن و شوهر محاسبه و بر اساس آنها تحلیل‌ها شد. مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش شامل محدودشدن جامعه پژوهش به زوجین دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل و استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بودند. بنابراین، انجام پژوهش بر روی سایر زوجین آسیب‌پذیر از جمله زوجین دچار خیانت زناشویی، زوجین مبتلا به بیماری‌های مختلف و غیره و مقایسه یافته‌های آنها با یافته‌های این پژوهش می‌تواند مفید باشد. علاوه بر آن، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی زوجین دارای مشکلات زناشویی سایر شهرستان‌ها و استان‌ها انجام شود. آخرین پیشنهاد اینکه نقش سایر متغیرها در پیش‌بینی طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی از جمله متغیرهای اضطراب اجتماعی، جنبه‌های تاریک شخصیت، پنج عامل بزرگ شخصیت، امید به زندگی، تاب‌آوری و سرسختی روانشناختی بررسی شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که همه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی رابطه مثبت داشتند، اما علاوه بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌صورت کلی فقط سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و

گوش‌به‌زنگی افراطی با آن رابطه معناداری داشتند و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سه طرحواره مذکور نقش معناداری در پیش‌بینی طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی داشتند. بنابراین، برنامه‌ریزی توسط درمانگران و متخصصان سلامت برای کاهش طلاق عاطفی از طریق کاهش طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌ویژه سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی ضروری است. در نتیجه، برای کاهش طلاق عاطفی در زوجین دارای مشکلات زناشویی می‌توان با استفاده از کارگاه‌های آموزشی گام موثری در جهت کاهش و تعدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌صورت کلی و سه طرحواره بریدگی و طرد، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی افراطی برداشت. علاوه بر آن، از آنجایی که شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، لذا برگزاری جلسات آموزش خانواده و کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان جهت جلوگیری از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند مفید واقع شود.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از مسئولان مراکز مشاوره شهرستان بابل به دلیل همکاری با پژوهشگر و معرفی زوجین دارای مشکلات زناشویی و از زوجین شرکت‌کننده در این مطالعه به دلیل تکمیل ابزارهای پژوهش تشکر می‌گردد.

References

- Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. (2017). Prediction of couples' emotional divorce based on early maladaptive schemas and emotion regulation's components. *Biannual Journal of Clinical Psychology & Personality*; 14(2): 79-92. [[Link](#)]
- Al Ubaidi BA. (2017). The psychological and emotional stages of divorce. *Journal of Family Medicine and Disease Prevention*; 3(3): 1-4. [[Link](#)]
- Alavi Lavasani AA, Ahmadi Thour Soltanii M. (2017). Association between maltreatment in childhood and emotional divorce: Mediating role of attachment styles, early maladaptive schemas and difficulty in emotional regulation. *Journal of Health Promotion Management*; 6(4): 49-58. [[Link](#)]
- Assr D, Abd-Elmaksoud ShM. (2021). The relationship between emotional divorce and motivation for achievement among working women. *Egyptian Journal of Social Work*; 12(1): 17-38. [[Link](#)]
- Bazdar Kh, Mousavi SA. (2018). An investigation and analysis of the role of initial maladaptive schemas and negative perfectionism in predicting emotional divorce among couples. *The Women and Families Cultural-Educational*; 13(43): 93-116. [[Link](#)]
- Calvete E. (2014). Emotional abuse as a predictor of early maladaptive schemas in adolescents: Contributions to the development of depressive and social anxiety symptoms. *Child Abuse & Neglect*; 38(4): 735-746. [[Link](#)]
- Chau RF, Sawyer WN, Greenberg J, Mehl MR, Sbarra DA. (2021). Emotional recovery following divorce: Will the real self-compassion please stand up? *Journal of Social and Personal Relationships*; 39(4): 996-1022. [[Link](#)]
- Damo DD, Cenci CMB. (2021). Emotional divorce: Similarities and differences according to the position occupied. *Trends in Psychology*; 29: 505-518. [[Link](#)]
- Dong S, Dong Q, Chen H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of Affective Disorders*; 299: 682-690. [[Link](#)]
- Flink N, Lehto SM, Koivumaa-Honkanen H, Viinamaki H, Ruusunen A, Korhonen MV, Honkalampi K. (2017). Early maladaptive schemas and suicidal ideation in depressed patients. *The European Journal of Psychiatry*; 31(3): 87-92. [[Link](#)]
- Forouzanfar A, Sayadi M. (2019). Meta-analysis of the effectiveness of emotionally focused therapy on reducing marital problems. *Armaghan-e-Danesh*; 24(1): 97-109. [[Link](#)]
- Gao T, Meng X, Qin Z, Zhang H, GAo J, Kong Y, et al. (2018). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of Affective Disorders*; 240: 27-32. [[Link](#)]
- Gong J, Chan RCK. (2018). Early maladaptive schemas as mediators between childhood maltreatment and later psychological distress among Chinese college students. *Psychiatry Research*; 259: 493-500. [[Link](#)]
- Gottman JM. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates. [[Link](#)]
- Jalali I, Sarvghad S. (2012). The mediating role of maladaptive cognitive schemas in relation to family process and content and conflict coping strategies of adolescent. *Journal of Psychological Methods and Models*; 2(7): 19-35. [[Link](#)]
- Jarwan AS, Al-Frehat BM. (2020). Emotional divorce and its relationship with psychological hardness. *International Journal of Education and Practice*; 8(1): 72-85. [[Link](#)]
- Lalzadeh E, Asghari Ebrahimabad MJ, Hesarsorkhi R. (2015). The investigation of role of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce. *Journal of Clinical Psychology*; 7(2): 101-108. [[Link](#)]

- Mousavi Khorami Z, Dokanehi Fard F, Khakpour R. (2020). Model of emotional divorce based on the components of early maladaptive schemas and attachment styles with emotional intelligence mediation. *Islamic Life Style*; 4(3): 63-74. [[Link](#)]
- Mousavi SF, Rezazadeh SM. (2014). Investigating the role of attitude towards love in predicting emotional divorce of men and women married in Qazvin. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*; 12(3): 169-188. [[Link](#)]
- Munuera C, Roux P, Weil F, Passerieux C, M, Bailara K. (2020). Determinants of the remission heterogeneity in bipolar disorders: The importance of early maladaptive schemas (EMS). *Journal of Affective Disorders*; 277: 857-868. [[Link](#)]
- Ramezanifar H, Kaldi A, Ghadimi B. (2021). Analysis of emotional divorce and its effective factors in married women of Tonekabon city. *Women in Development and Politics*; 19(2): 167-191. [[Link](#)]
- Rasheed A, Amr A, Fahad N. (2021). Investigating the relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce & Remarriage*; 62(1): 19-40. [[Link](#)]
- Shirmohammadi F, Elahi T, Ebrahimi L. (2021). The effectiveness of emotional self-control training on managing interpersonal conflicts and problem-solving strategies among women with marital problems. *Quarterly of Applied Psychology*; 15(2): 249-271. [[Link](#)]
- Stevenson MM, Fabricius WV, Cookston JT, Parke RD, Coltrane S, Braver SL, Saenz D. (2014). Marital problems, maternal gatekeeping attitudes, and father-child relationships in adolescence. *Developmental Psychology*; 50(4): 1208-1218. [[Link](#)]
- Tariq A, Quayle E, Laqrie SM, Reid C, Chan SWY. (2021). Relationship between early maladaptive schemas and anxiety in adolescence and young adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*; 295: 1462-1473. [[Link](#)]
- Thimm JC. (2013). Early maladaptive schemas and interpersonal problems: A circumplex analysis of the YSQ-SF. *International Journal of Psychology & Psychological Therapy*; 13(1): 113-124. [[Link](#)]
- Wilson SJ, Jaremka LM, Fagundes CP, Andridge R, Peng J, Malarkey WB, et al. (2017). Shortened sleep fuels inflammatory responses to marital conflict: Emotion regulation matters. *Psychoneuroendocrinology*; 79: 74-83. [[Link](#)]
- Yalcin SB, Kavakli M, Kesici S, Ak M. (2017). University students' early maladaptive schemas' prediction of their mindfulness levels. *Journal of Education and Practice*; 8(20): 174-181. [[Link](#)]
- Young JE. (1994). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach* (Rev. ed.). Sarasota FL: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange. [[Link](#)]
- Zhang H, Spinrad TL, Eisenberg N, Luo Y, Wang Z. (2017). Young adults' internet addiction: Prediction by the interaction of parental marital conflict and respiratory sinus arrhythmia. *International Journal of Psychophysiology*; 120: 148-156. [[Link](#)]